

تحلیلی از وضعیت کاری زنان در خانه و سازمان با رویکرد اسلامی

manteghi@iki.ac.ir

محسن منطقی / استادیار گروه مدیریت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)
دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۷ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸

چکیده

امروزه جامعه اسلامی ایران شاهد حضور بانوان در اجتماع است. آنان با داشتن مسئولیت خانه علاقه‌مندند که رفتارهایشان در زندگی اجتماعی بر اساس ارزش‌های اسلامی باشد. جامعه نیازمند حضور زنان و مردان در عرصه‌های اقتصادی، علمی، اداری و... است. تمایزات گوناگون زن و مرد از نظر جسمی و روحی، برای زنان موقعیتی فراهم آورده است که آنان باید متناسب با آن به وظایف خود بپردازند. این پژوهش با رویکرد کیفی و با به‌کارگیری شیوه‌توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. براین اساس، ضمن بررسی آیات قرآن و تفاسیر، تحلیل‌های عقلی متناسب با جایگاه و وظایف زنان در خانواده و سازمان، مورد توجه بوده است. با استفاده از منابع اسلامی و دانش مدیریت، شناسایی زمان‌بندی حضور زنان در محیط خانه و سازمان، به‌تناسب شخصیت خانوادگی زنان و شخصیت اجتماعی آنان تحلیل شده است. زنان به‌تناسب ویژگی‌ها و توانایی‌های خود در انجام وظایف خانوادگی و اجتماعی باید فعالیت‌های خود را اولویت‌بندی کنند. این تحلیل ضمن ارائه چهارچوب متناسب با جایگاه زنان، تلاش دارد، سطح انتظارات جامعه از زنان را نیز معین کند.

کلیدواژه‌ها: زنان، زندگی خانوادگی، زندگی سازمانی.

خداوند متعال به هنگام آفرینش، انسان را به صورت مرد و زن آفرید تا این دو بتوانند در کنار یکدیگر تعادل زندگی را فراهم کنند. این دو جنس مخالف، مکمل یکدیگر قرار گرفتند تا چرخه حیات بشری به نحو شایسته‌ای جریان یابد. در طول زندگی بشر، زنان و مردان دوشادوش یکدیگر برای گذران زندگی و ترقی جوامع کوشیده‌اند و هر یک به نوبه خود نقشی در تاریخ بشریت ایفا کرده‌اند. در طی دو قرن گذشته، تردیدهایی درباره جایگاه، تکالیف و وظایف زنان مطرح شده است. در این زمینه، مکاتب فلسفی و اجتماعی متعددی نیز به ایده‌پردازی و ارائه راه‌حل پرداخته‌اند؛ اما به طور کلی می‌توان گفت که هرگاه وظایف فردی، اجتماعی و خانوادگی زنان و مردان دچار دگرگونی شده، تعادل زندگی بشر نیز بهم ریخته است.

کانون مطالعه این پژوهش بانوان مسلمانی هستند که به کار خارج از خانه اشتغال دارند یا تمایل دارند به کار خارج از خانه بپردازند. اینان می‌خواهند بدانند که وقت خود را بین خانه و سازمان چگونه باید توزیع کنند؟ پاسخ به این سؤال در شرایط تأهل داشتن یا فرزند داشتن می‌تواند متفاوت باشد. از این رو شناخت شرایط برای پاسخ به سؤال، مؤثر است. بررسی پاسخ به این سؤال از منظر اسلام، نیاز به بررسی‌های مبنایی دارد که در این پژوهش به صورت کوتاه به آنها پرداخته خواهد شد. بنابراین، سؤال پژوهش را می‌توان چنین بیان کرد که زنان، اعم از متأهل و مجرد یا دارای فرزند یا بدون فرزند، وقت خود را بین سازمان و خانه چگونه باید تنظیم کنند؟ شناسایی میزان حضور زنان در زندگی شخصی و زندگی سازمانی از نظر اسلام، (در حالت تأهل و مجرد، و فرزند داشتن یا نداشتن) هدف این پژوهش است.

۱. پیشینه تحقیق

در ابتدا مناسب است که به پیشینه این تحقیق پرداخته شود و آثاری که در این زمینه در دسترس هست، مرور گردد. کتابها، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی را در این زمینه - که می‌توانند به عنوان پیشینه عام یا پیشینه خاص مورد استفاده قرار گیرند - می‌توان نام برد که به دلیل اختصار فقط به چند مورد اشاره می‌شود. *آذربایجانی* (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «اسلام و اشتغال زنان» درصدد برآمده است که بر اساس آیات، روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام اثبات کند که زنان با حفظ یک سلسله‌معیارها از منظر اسلام حق اشتغال دارند. *نیکزاد* (بی‌تا) در مقاله‌ای با عنوان «زن و مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی از نگاه اسلام» به این سؤال اصلی می‌پردازد که آیا اسلام اصل حضور زن در اجتماع، همچنین تصدی برخی مسئولیت‌های خطیر همچون قضاوت، حکومت و مرجعیت را برای آنان به رسمیت می‌شناسد یا خیر؟ *فهیمی* (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *رابطه جنسیت و شغل از منظر اسلام*، به این موضوع پرداخته است که اشتغال زنان باید در راستای حفظ دین، حفظ جان، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ اموال بشر تنظیم گردد. همچنین هر فعالیتی که تضمین‌کننده مصلحت عمومی یا گروهی باشد، بر مصلحت فردی

ترجیح دارد. براین اساس، تقسیم‌بندی مناسبی از وظایف زنان ارائه شده است. در منابع غربی نیز به این موضوع پرداخته شده است. کاپور (۲۰۱۹) در مقاله خود با عنوان «نقش زنان در مدیریت تعهدات خانوادگی» به این موضوع پرداخته‌اند که نقش زنان در مدیریت مسئولیت خانواده، جزء لاینفک زندگی است. در دوره مدرن، تحولاتی در زندگی آنها به وجود آمد و زنان فرصت‌های جدیدی در تحصیل و اشتغال پیدا کردند. به‌رغم مشارکت آنها در امور اجتماعی، سهم بسزای آنها در مدیریت و مسئولیت خانواده نباید فراموش شود. آنان وظیفه دارند که به وظایف خود در قبال رشد کودک، مراقبت‌های بهداشتی خانواده، رژیم غذایی و تغذیه، تأمین امور جنسی همسر و غیره، اقداماتی انجام دهند. بنابراین نیازمند یادگیری مهارت‌های ارتباطی مؤثر و تعامل با افراد داخل و خارج از خانه به‌شیوه‌ای مؤثر هستند.

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی، و از نظر ماهیت کیفی است که با رویکرد تحلیل توصیفی به دنبال حل مسئله پژوهش است. بررسی ماهیت موضوع به‌کارگیری از نوع تحقیقات کاربردی وابسته است و نیاز به مطالعه گسترده درباره موضوع دارد. شیوه گردآوری اطلاعات بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای اسناد انجام شده و این مطالعه بر اساس بررسی متون و تحلیل‌های عقلی صورت گرفته است. در ابتدا با شناسایی مفاهیم کلیدی بحث و جست‌وجو در منابع معتبر، تلاش شد کلیدواژه‌های مرتبط شناسایی شوند و سپس بر اساس شیوه تحلیل عقلی و بهره‌گیری از معناهای مطابقی، تضمینی، و التزامی از آیات و روایات استفاده شد و تلاش شده است که برداشت‌ها و استنباط‌هایی که در چهارچوب شیوه اجتهاد قرار می‌گیرد، استخراج شود. به‌منظور تأیید برداشت‌ها و استنباط‌های تحقیق، ضمن بررسی آیات قرآن و تفاسیر مربوط، تحلیل‌های عقلی متناسب با جایگاه و وظایف زنان در خانواده و سازمان، مورد استفاده قرار گرفته است. در تحلیل‌های عقلی تلاش شده است که ابعاد موضوع، شناسایی شود و برای آنها مستندات دینی ارائه گردد.

۳. ادبیات تحقیق

بیان شد که سؤال اساسی تحقیق، شناسایی میزان حضور زنان در زندگی شخصی و زندگی سازمانی از منظر اسلام است. بررسی و تبیین این پژوهش، در سه بخش صورت می‌گیرد. ابتدا جایگاه زن در نظام آفرینش به‌طور گذرا مورد توجه قرار می‌گیرد؛ سپس به بررسی مفهوم مکمل بودن زن و مرد پرداخته می‌شود. در نهایت، بر اساس یافته‌های دو بخش پیشین، به تحلیل زمان‌بندی حضور زن در عرصه خانوادگی و سازمانی توجه می‌شود. ساختار پژوهش در نمودار شماره ۱ درج شده است.

جایگاه زن در نظام آفرینش

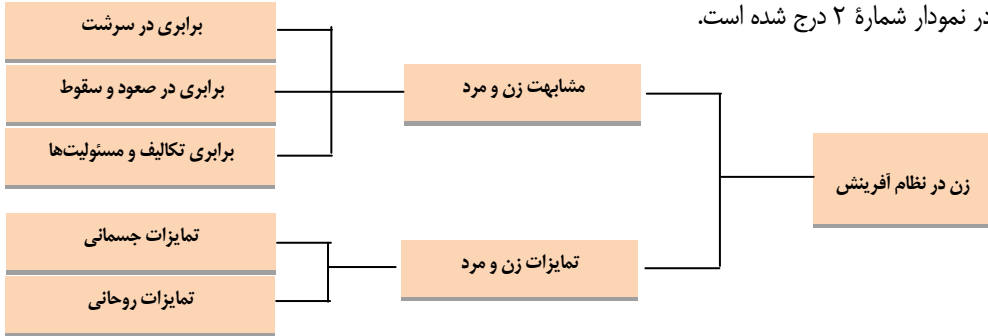
مکمل بودن زن و مرد

زمان‌بندی حضور زن در خانه و سازمان

نمودار ۱. شمای کلی ساختار پژوهش

۴. زن در نظام آفرینش

خداوند متعال نظام آفرینش را برای بهره‌مندی و تکامل انسان آفریده است. انسان‌ها، اعم از زنان و مردان می‌توانند با استفاده از این امکانات، در مسیر صعود یا سقوط قرار گیرند. زن و مرد دارای مشترکات و مشابهت‌های فراوانی هستند؛ چنان‌که با یکدیگر تمایزات و تفاوت‌هایی نیز دارند. شمای کلی بررسی این موضوع در نمودار شماره ۲ درج شده است.



نمودار ۲. شمای کلی بررسی زن در نظام آفرینش

۴-۱. مشابهت زن و مرد

همان‌گونه‌که خلقت زنان و مردان با هم برابر است، زمینۀ شکست و موفقیت آنها نیز برابر است؛ چنان‌که تکالیف هر یک نیز به تناسب توانشان تعیین شده است. وضعیت آفرینش این دو جنس مخالف را می‌توان بر اساس آیات فراوان قرآن کریم استنباط کرد. در این کتاب مقدس به ویژگی‌ها و خصوصیات هر یک اشاره شده است. در اینجا برخی از این خصوصیات به اختصار مورد توجه قرار می‌گیرد:

۴-۱-۱. برابری در سرشت

انسان‌ها در اصل انسانیت و در حقیقت بشریت با یکدیگر برابرند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۱۵). خداوند درباره خلقت زنان و مردان از یک سرشت واحد می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء: ۱)؛ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید.

۴-۱-۲. برابری در صعود و سقوط

مراحل ترقی و تنزل برای انسان‌ها، اعم از زن و مرد نیز برابر است. خداوند به هنگامی که از ترقی و تعالی انسان‌ها سخن می‌گوید، هم از مردان یاد می‌کند و هم از زنان. زنان پاک همانند مردان پاک‌اند و تفاوتی بین این دو نیست: «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» (نور: ۲۶)؛ زنان پاک از آن مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاک‌اند. قرآن کریم هنگامی که از پلیدی و پلشتی انسان‌ها سخن می‌گوید، تفاوتی بین زنان و مردان بدکاره قائل نیست و هر انسان بدی را خواه مرد باشد یا زن، مستوجب مذمت می‌شمارد: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ

جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» (توبه: ۶۸)؛ خداوند به مردان و زنان منافق و کفار وعده آتش دوزخ داده است. جاودانه در آن خواهند ماند- همان برای آنها کافی است- و خدا آنها را از رحمت خود دور ساخته و عذاب همیشگی برای آنهاست.

۳-۱-۴. برابری تکالیف و مسئولیت‌ها

خداوند برای زنان و مردان تکالیف و وظایف برابری تعیین نموده است. آن‌گونه نیست که مردان تکلیفی نداشته و در برابر، زنان از تکالیف سنگینی برخوردار باشند. براین اساس، خداوند هنگامی که از تکالیف زنان می‌خواهد سخن بگوید، چنین می‌فرماید: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور: ۳۱)؛ و به زنان باایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند. هنگامی که نوبت مردان می‌شود، خطاب به آنان می‌فرماید: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» (نور: ۳۰)؛ به مردان مؤمن بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند.

بنابراین از آیات قرآن استفاده می‌شود که این دو موجود برتر نظام آفرینش، از جهات گوناگون با هم برابرند. این در حالی است که در برخی از کتب آسمانی تحریف‌شده، مانند کتاب مقدس یهودیان یعنی تورات، زن موجود درجه دو فرض شده و مورد ملامت قرار گرفته است. برای نمونه، در تورات (سفر پیدایش، باب سوم، آیه ۱ الی ۱۳) چنین آمده است: «مار با زن به گفت‌وگو پرداخت و او را وسوسه کرد. چون زن دید آن درخت برای خوراک نیکوست و دلپذیر و دانش فرا، پس از آن میوه بخورد و به شوهرش نیز خوردند. آدم هنگامی که مورد خطاب عتاب‌آلود خداوند واقع شد، گفت: این زنی که قرین من ساختی، از این میوه به من داد و...». یهودیان و مسیحیان معتقدند که زن عامل فریب انسان است. آنان بر این باورند که زن توانایی بیشتری در فریب انسان دارد (توکل، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵). اسلام با رد این دیدگاه، بر این عقیده است که زن و مرد در این زمینه با هم برابرند؛ یعنی همان‌طور که زنان توانایی گمراهی مردان را دارند، مردان نیز می‌توانند چنین کنند. به آیات قرآن توجه کنید: «فَقَلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لَزُوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى» (طه: ۱۱۷)؛ گفتیم: ای آدم، این دشمن تو و همسر توست. مبادا شما را از بهشت بیرون کند که در رنج افتی. مفسران از این آیه چنین برداشت کرده‌اند که زن و مرد، هر دو در تیررس دشمن و وسوسه‌های شیطان قرار دارند (قرآتی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۴۰۱). اساساً در آیاتی از قرآن که به موضوع سعادت و شقاوت، فضیلت و رذالت، تقوا و فجور می‌پردازد، تفاوتی بین اوصاف مردانه و زنانه دیده نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۸۳).

بنابراین مشاهده می‌شود که بر اساس آیات قرآن کریم، سهم زن و مرد در شکل‌گیری سعادت و موفقیت یا شقاوت و ناکامی برابر است. از نظر اسلام، زن و مرد هر دو در پیشرفت یا پسرفت زندگی به‌طور مساوی نقش‌آفرینی می‌کنند. این‌گونه نیست که زن در گمراهی جامعه نقش اساسی بر عهده داشته و مرد از توان کمتری

برخوردار باشد. توانایی مکر و حيله در زنان و مردان به صورت برابر قرار دارد؛ چنان که مکرپذیری نیز به صورت برابر است. از سوی دیگر، خداوند متعال به هنگام مجازات و تنبیه نیز با انسان خطاکار، اعم از مرد و زن، برخورد یکسان دارد؛ یعنی هر کس به اندازه خطای خود مجازات می شود؛ خواه مرد باشد یا زن: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مائده: ۳۸)؛ دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند، به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است.

۴-۲. تمایزات زن و مرد

در کنار برابری های بیان شده در آیات قرآن کریم، می توان تفاوت هایی را برای زنان و مردان شناسایی کرد. این تفاوت ها و تمایزات به معنای نقص برای آنان نیست؛ بلکه به منزله تکمیل کننده جنس مخالف است و در جهت وظایف حیاتی نقش اساسی دارد. برخی از این تفاوت ها به صورت واضح برای همه مشهود است. این تفاوت ها را می توان در دو دسته بررسی کرد:

۴-۲-۱. تمایزات جسمانی

بخش مهمی از تفاوت زنان و مردان با یکدیگر تفاوت های بیولوژیکی است. این تفاوت ها که عمدتاً ظاهری است؛ ناشی از انتخاب آنها نیست؛ مانند تفاوت های آنان در دستگاه تناسلی، تفاوت در شکل سینه، تفاوت در استخوان بندی، تفاوت در نیروی بدنی، دوره قاعدگی در زنان، توانایی تولیدمثل و ... بنابراین مردان و زنان به طور طبیعی با یکدیگر تفاوت دارند.

۴-۲-۲. تمایزات روحانی

از نظر روح و روان، زنان با مردان تفاوت هایی دارند. بخشی از تفاوت ها مربوط به عواطف و انفعالات درونی است. این موضوع قابل مشاهده است که زنان از عواطف، انفعالات و احساسات بیشتری نسبت به مردان برخوردارند. به همین دلیل، زنان زودتر از مردان می خندند و می گریند، محبت بیشتری دارند و آن را بهتر ابراز می کنند؛ همچنین قلب رئوفی دارند و ... از سوی دیگر، این موضوع روانی نیز از نظر تجربی به اثبات رسیده است که زنان میل بیشتری به محبوب شدن و مورد توجه قرار گرفتن دارند. طبیعت، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا آفریده است و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۵۲). به همین دلیل، زنان می توانند به راحتی از مردان دلربایی کنند. خداوند وسیله جذابیت و دلربایی را نیز در اختیار زنان قرار داده است. تفاوت دیگری که در زنان قابل مشاهده است، میل زیاد زن به خودآرایی و خودنمایی است. اساساً یکی از دل مشغولی های زنان خودآرایی است. تلاش برای آراستگی واقعی و غیرواقعی با وسایل در دسترس و ممکن، از ویژگی های زنان است. به همین دلیل،

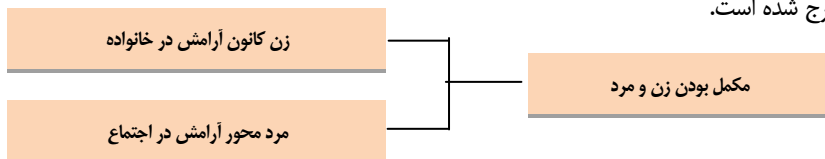
«تبرج» از مختصات زنان شمرده شده است (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۴۷۸). همچنین تمایل زنان به داشتن حامی نیز یکی از این تمایزات به حساب می‌آید (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۵۳).

بنابراین دیده می‌شود که زنان و مردان با یکدیگر تفاوت‌های جسمانی و روحانی فراوانی دارند. به‌طور طبیعی این تفاوت‌ها می‌تواند بر توانایی آنان در موقعیت‌های فردی، اجتماعی، و خانوادگی تأثیرهای متفاوتی بگذارد. این تفاوت‌ها، همان‌طور که می‌تواند برای زنان امتیازاتی در پی داشته باشد، می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز به دنبال داشته باشد؛ چنان‌که بر اساس این تفاوت‌ها انتظارات جامعه از مردان متفاوت خواهد بود؛ زیرا این تفاوت‌ها به امتیازات و محدودیت‌هایی منجر خواهد بود.

بنابراین اگر این سؤال اساسی مطرح شود که آیا تفاوت‌های جسمی و روحی بیان‌شده سبب تغییرات اساسی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان (به‌ویژه زنان) می‌شود یا نه، بر اساس مطالب فوق، پاسخ باید مثبت باشد. از این روست که در تعیین حقوق و تکالیف برای زنان و مردان باید به تفاوت‌های بیان‌شده توجه شود. تعبیه و طراحی این تفاوت‌ها برای تشکیل و حفظ خانواده، و حفظ نسل و بقای نسل بشر، اجتناب‌ناپذیر است؛ چنان‌که این تفاوت‌ها بیانگر برتری یا پستی یک جنس بر دیگری نیست؛ بلکه ابزاری برای تقویت پیوند خانوادگی است.

۵. مکمل بودن زن و مرد

جنبه‌های مشترک خلقت زن و مرد بیان شد، چنان‌که مشاهده شد، این دو مخلوق در تکالیف و وظایف مشابهت‌های فراوانی دارند. تمایزات جسمانی و روحانی مرد و زن نیز به‌منظور تکمیل چرخه حیات بشری در نظر گرفته شده است و هر یک به این معناست که هر موجودی به تناسب این ویژگی‌ها باید در جای خود قرار گیرد. برخی از محققین معتقدند که نیازها و خواسته‌های اصلی زن و مرد متفاوت‌اند و درعین حال مکمل یکدیگرند. نمونه‌ای از این خواسته‌ها و نیازها را به‌صورت ذیل می‌توان برشمرد: ۱. زن به توجه، و مرد به اعتماد نیاز دارد. ۲. زن به درک، و مرد به پذیرش نیاز دارد. ۳. زن به احترام، و مرد به قدردانی نیاز دارد. ۴. زن به صمیمیت، و مرد به تحسین نیاز دارد. ۵. زن به اعتبار، و مرد به تأیید نیاز دارد. ۶. زن به اطمینان خاطر، و مرد به تشویق نیاز دارد (گری، ۱۳۸۰، ص ۵۴). بنابراین به تناسب ویژگی‌های ظاهری و باطنی زن و مرد، از آنها وظایف و توانایی‌های متفاوتی در زندگی انتظار می‌رود که تأمین‌کننده نیازهای جسمی و روحی زندگی خواهند بود. برخی از این موارد در نمودار شماره ۳ درج شده است.



نمودار ۳. مکمل بودن زن و مرد

۱-۵. زن کانون آرامش در خانواده

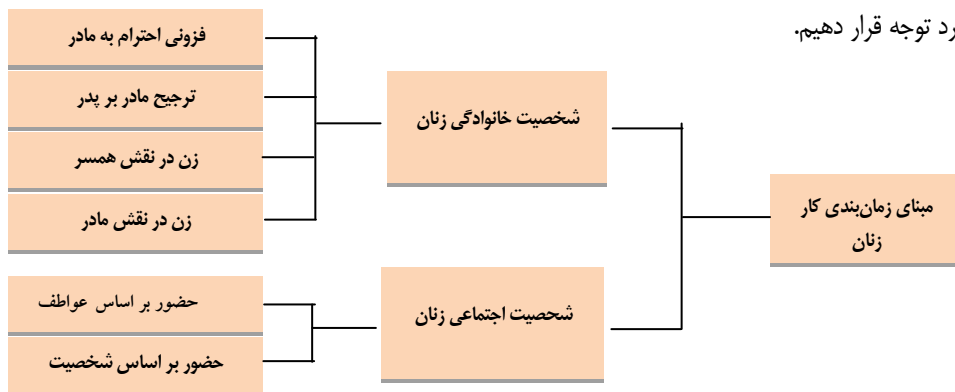
زن و مرد در تکون و شکل‌گیری خانواده سهیم و شریک‌اند؛ اما در تحکیم آرامش خانواده، سهم زنان بیشتر است. زنان به دلیل داشتن عواطف و احساسات سرشار، مأمون و پناهگاه اعضای خانواده‌اند. خداوند می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید؛ و در میاتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. خداوند انسان‌ها را به گونه‌ای آفریده است که زنان مایهٔ تسکین و آرامش مردان شوند. زنان با جمال و کرشمهٔ خود و با مودت و رحمت خویش دل مردان را به سوی خود جذب می‌کنند. مودت و رحمت که در آیه به آن اشاره شده، از شهوت و میل طبیعی فراتر است و عامل سکون و آرامش است (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۸۳). هنگامی که زن مایهٔ آرامش باشد و مرد آرامش خود را در پناه زن بیابد، فرزندان نیز در آرامش خواهند بود. بنابراین، زنان محور سکینه و آرامش در خانه برای همهٔ اعضا خواهند بود.

۲-۵. مرد محور آرامش در اجتماع

از حیث اجتماعی، مردان محور امنیت‌اند. قرآن کریم مرد را محصن می‌نامد؛ یعنی محافظ و نگهبان: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ...» (نساء: ۲۴)؛ و زنان شوهردار (بر شما حرام است) کلمهٔ محصنات به معنای مصونیت و حفظ است (فارس، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۹). محصنات اصلش از «حصان» به معنای منع است و قلعه را هم از این جهت حصن می‌گویند؛ چون از ورود اغیار منع و جلوگیری می‌کند؛ و زن شوهردار هم از این جهت محصنه گفته می‌شود که شوهرش او را از تعرض دیگران حفظ می‌کند (قمی، ۱۳۸۵، ص ۷۷). براین اساس، در زبان عربی هنگامی که این واژه را برای زن به کار می‌گیرند (احصنت المرأة) منظور این است که زن در پناه شوهر قرار گرفته است و شوهر او را حفظ خواهد کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۲۴). بنابراین می‌توان گفت تهدیدهایی که در جامعه متوجه زن است، به وسیلهٔ مرد دفع می‌شود و مرد حافظ و محور آرامش زن در جامعه خواهد بود؛ چنان‌که خداوند متعال در آیه‌ای دیگر، مردان را رکن و قوام خانواده قلمداد می‌کند: «الرِّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (نساء: ۳۴)؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنان‌اند، به دلیل برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی بر بعضی دیگر قرار داده است. این آیه گویای این است که قوت عقلانی مرد اقتضای تفوق را دارد؛ از این رو صلاحیت سرپرستی به او داده شده است تا در جامعه سرپرستی خانواده را به عهده بگیرد و حافظ اعضای آن باشد. در ادامه همین آیه، به این موضوع پرداخته شده است که خداوند تأمین زندگی را نیز به عهدهٔ مرد گذاشته است تا خانواده از این جهت آسوده‌خاطر باشد و برای تأمین معاش، به مرد خانواده تکیه کند. بنابراین مشاهده می‌شود که مرد، هم مسئولیت حفاظت و حراست را دارد و هم مسئولیت اقتصادی و تأمین معاش خانواده را. به هر حال، این دو با مشارکت یکدیگر آرامش را در خانه و جامعه به وجود می‌آورند و نقش مکمل بودن خود را برای یکدیگر به نمایش می‌گذارند.

۶. تحلیل زمان‌بندی حضور زن

بعد از یادآوری جنبه‌های مشترک و متفاوت زنان و مردان، این موضوع نیز یادآوری شد که این دو موجود بر اساس اشتراکات و اختلافات، تکمیل‌کننده یکدیگرند. امروزه بخشی از کارمندان در ادارات و سازمان‌ها و بخشی از کارگران در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را زنان متأهل شکل داده‌اند. برای شناسایی موقعیت‌های گوناگون زن، مناسب است که موضوع را همان‌گونه که در نمودار شماره ۴ مشاهده می‌کنید در دو محور شخصیت خانوادگی و شخصیت اجتماعی مورد توجه قرار دهیم.



نمودار ۴. مبنای زمان‌بندی کار زنان در خانه و سازمان

۶-۱. شخصیت خانوادگی زنان

«خانواده» در لغت از دو جزء «خان» به معنای منزل و سرای و «واده» به معنای اهل منزل تشکیل شده است (معین، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۵۲۱؛ دهخدا، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۷۴۱). بنابراین، همه کسانی که در خانه هستند، عضو خانواده محسوب می‌شوند. در تعریف اصطلاحی گفته شده است: خانواده عبارت است از روابط جنسی معین و بادوامی که تولید اطفال و پرورش آنها را به عهده دارد (جی گود، ۱۳۵۳، ص ۱۷). جامعه‌شناسان خانواده را از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی می‌دانند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳، ص ۴۳) و نقش خانواده مورد تأکید ادیان و مذاهب الهی و غیرالهی قرار داشته است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۱، ج ۲۱، ص ۳۳۴). خانواده با ازدواج دو نفر شروع می‌شود و به تدریج با تولد فرزندان گسترش می‌یابد. در خانواده نیز نقش زنان بسیار حائز اهمیت است. امام خمینی^ع در تأکید بر این موضوع چنین فرموده‌اند: «زن مبدأ همه سعادت‌هاست. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. زن مریی جامعه است. مادرها مبدأ خیرات هستند. مریی انسان‌ها زن است» (گروهی از محققین، ۱۳۷۴، ص ۷۴).

جامعه از واحد اصلی خانواده تشکیل شده است. دانشمندان کلام، اخلاق و فقه نیز توصیه‌ها و راهکارهای فراوانی را برای بهبود این نهاد اجتماعی بیان کرده‌اند. زنان نقش آفرینی بیشتری را در خانواده دارند؛ براین اساس می‌توانند موفقیت یا عدم موفقیت بیشتری را برای جامعه رقم بزنند. زنان از نظر شخصیت فردی در خانواده دو نقش

اساسی ایفا می‌کند: نقشی به‌عنوان همسر و نقشی به‌عنوان مادر؛ تا هسته اصلی جامعه، یعنی «خانواده» شکل بگیرد. در آموزه‌های اسلامی، زنان در خانواده از شخصیت و موقعیت برتری برخوردارند. به عبارت دیگر، اسلام نه تنها جنس زن را پست‌تر از مرد نمی‌داند، بلکه در برخی موارد بر اساس آموزه‌های اسلامی، به زنان امتیازات خاصی نیز داده است تا نقش برجسته این موجود واضح‌تر شود. امتیازات خاصی را که آموزه‌های اسلامی متناسب با ویژگی‌های روحی زنان در نظر گرفته است، می‌توان در این موارد مشاهده کرد:

۱-۶. فزونی احترام به مادر

احترام به پدر و مادر از توصیه‌های همه ادیان الهی است. نشانه پایبندی به آرمان‌های ائمه معصومین^{علیهم‌السلام} نیز بر اساس میزان نیکی کردن به والدین تعیین شده است. چنان‌که امام صادق^{علیه‌السلام} خطاب به جابر فرمودند: «شیعیان ما شناخته نمی‌شوند؛ مگر با... نیکی به والدین» (صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۱۸۰)؛ اما در عین حال، تأکیدات فراوانی بر اهمیت و اولویت احترام به مادر در توصیه‌های اسلامی وجود دارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَصَيِّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً...» (احقاف: ۱۵)؛ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد. در عین حالی که بر احترام به والدین تأکید می‌شود، زحمات مادر در دوران بارداری و شیردهی نیز یادآوری می‌گردد تا انسان‌ها بیشتر قدردان این زحمات باشند.

۲-۶. ترجیح مادر بر پدر

بر اساس تأکیدات اسلامی، حق مادر به قدری گسترده و مهم است که حتی از حق پدر نیز برتر شمرده شده است. این موضوع در روایات متعدد بیان گردیده؛ چنان‌که از امام رضا^{علیه‌السلام} نقل شده است: «بدان که حق مادر لازم‌ترین حقوق و واجب‌ترین آن است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۸). همچنین پیامبر گرامی اسلام^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} فرمودند: «إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فَإِنَّ دَعَاكَ وَالِدَاكَ فَلَا تَقْطَعْهَا وَإِنْ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَاقْطَعْهَا» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۸۰)؛ هرگاه مشغول خواندن نماز مستحب بودی و پدرت تو را فراخواند، به نمازت ادامه بده؛ اما اگر مادرت تو را فراخواند، نمازت را قطع کن و او را اجابت کن. گوش به فرمان بودن فرزند نسبت به پدر و مادر، هر دو، تأکید شده است؛ اما همراهی و مساعدت با مادر، تأکید فزون‌تری دارد و این ناشی از مقام ارجمند مادران است. همچنین امام محمدباقر^{علیه‌السلام} درباره ترجیح حق مادر بر پدر می‌فرمایند: حضرت موسی^{علیه‌السلام} به خدا عرض کرد: پروردگارا! مرا سفارش کن. فرمود: تو را به مادرت سفارش می‌کنم. مجدداً عرض کرد: پروردگارا! مرا سفارش کن. خداوند فرمود: تو را به مادرت سفارش می‌کنم. باز گفت: پروردگارا! مرا سفارش کن. فرمود: تو را به پدرت سفارش می‌کنم. امام باقر^{علیه‌السلام} افزود: از همین رو گفته می‌شود که حق مادر از نیکی، دوسوم و برای پدر یک‌سوم است (صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۵۱).

۳-۱-۶. زن در نقش همسر

خانواده که از زن و مرد (و گاهی فرزندان) تشکیل می‌شود، بر مبنای عواطف و احساسات است. شکل‌گیری قانونی خانواده پس از ایجاد علاقه بین طرفین موضوعیت پیدا می‌کند. حاکمیت مهر و محبت در خانواده، که از چشمه عواطف زن در خانواده جریان می‌یابد، باعث دوام و لذت‌بخش شدن این هسته اصلی اجتماع است. زن در خانواده با بذل عواطف و ارائه جذابیت‌های جنسی، کانون گرمی برای آرامش شوهر خود می‌سازد و او را از گزند بدخواهان و هوسرانان بیرون خانه دور می‌سازد. زنان با رعایت توصیه‌های روانی و اخلاقی، محور آرامش برای همسر و فرزندان خواهند بود. تلاش آنان چنان ستودنی است که نبی گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «جَهَادُ الْمَرْءِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (کلینی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۹)؛ جهاد زنان، خوب شوهرداری کردن است.

از نظر اسلام، خانواده همانند شرکت سهامی تلقی نمی‌شود که هر یک از زن و مرد دارای سهم مشخصی باشند؛ بلکه مرد باید بداند که به سبب بذل عواطف زن به خانواده، در برابر او مدیون است و باید تلاش کند که حق همسر خود را در خانواده ادا کند و قدردان این جهاد بزرگ باشد. تجهیز مرد به نیروی تعقل و دفاع، و تجهیز زن به عواطف و احساسات، دو تجهیز متعادل است که به وسیله آن، دو کفه ترازوی زندگی در جامعه که مرکب از مرد و زن است، متعادل می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۴۲). از آموزه‌های اسلامی استفاده می‌شود که همسرداری مهم‌ترین وظیفه برای زنان است. با توجه به مطالب پیش گفته درباره ویژگی‌های روحانی، به دست می‌آید که زنان با داشتن چنین ویژگی‌هایی مستعد این هستند که همسرداری و مادری را به نحو کامل بر عهده گیرند. از این رو می‌توان گفت که وظیفه اصلی برای زن، همسرداری است. این ظرفیت برای آنان ایجاد می‌کند که مهم‌ترین مسئولیت خود را در همسرداری بدانند. خداوند زن را مایه آسایش روح مرد قرار داده است: «و جعل منها زوجها لیسکن الیها» (اعراف: ۱۸۹). خانواده برای مرد کانون آسایش و آرامش، زدودن خستگی و فراموش‌خانه گرفتاری‌های بیرونی است. قانون آفرینش برای ریشه‌دار کردن پیوند زناشویی و استواری زندگی خانوادگی، زن و مرد را نیازمند یکدیگر آفریده است. مرد از جنبه مالی نقطه اتکای زن به شمار می‌رود و زن از نظر تأمین آسایش روحی، نقطه اتکای مرد است. در این تقسیم کار، مرد بهتر می‌تواند با نامالیمات بیرونی زندگی نبرد کند و زن بهتر می‌تواند آرامش روحی خانواده را فراهم سازد (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۳۴).

۴-۱-۶. زن در نقش مادر

زن و مرد دو رکن اساسی خانواده‌اند. اما در تداوم نسل و خانواده، نقش زن به عنوان مادر نقش ارزشمندی است. پدر باید اصل نطفه را از غذای حلال تأمین کند و پس از آن اگر حرام‌خور شد، ارتباط تنگاتنگی با پرورش کودک ندارد. اما غذای حرام مادر، در گوارش او هضم شده و در طول دوران جنینی یا دوران شیردهی تأثیر می‌گذارد. امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندشان فرمودند: «بدترین غذاها لقمه حرام است» (نهج البلاغه، ن ۳۲، فراز ۳۷) و امام صادق علیه السلام

فرمودند: «از آثار بد کسب حرام، تأثیر منفی آن در نسل است» (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۵، ص ۱۲۴). اما بعد از تولد نیز نقش مادر در تکون خانواده بیشتر از مردان است؛ زیرا در دوران کودکی و نوجوانی، مادران به دلیل ارتباط بیشتر و عمیق تر همراه با عواطف و احساسات سرشار، تأثیر بیشتری بر روحيات و اخلاقیات فرزندان دارند.

فطرت مادران به گونه‌ای است که منشأ ابراز عشق و علاقه به فرزندان است. بر این اساس، در فقه اسلامی نیازی نبوده است که برای مادران تکلیف شرعی مادری تعیین گردد. به عبارت دیگر، فقه اسلامی برای مادران، مادری را واجب نکرده است؛ یعنی بر مادر واجب نیست که فرزند را نگهداری کند؛ اما عواطف مادری به گونه‌ای سرشار است که نیاز به حکم فقهی و اخلاقی ندارد؛ بلکه خودبه‌خود این کار صورت می‌گیرد. خداوند در زن فطرتی به ودیعت گذاشته است که وجوب مادری برای او امری فطری و وجدانی شده است. پیامبر اکرم ﷺ هنگام تأکید بر اهمیت جایگاه مادران، به جنبه عواطف مادران اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «قَالَ هِيَ أَرْحَمُ مِنَ الْأَبِ»؛ مادر عواطف بیشتری نسبت به پدر دارد (کاشانی، ۱۳۸۳، ق، ج ۳، ص ۴۳۵). البته در مقابل نیز به فرزندان توصیه کرده است که احترام مادران را بسیار داشته باشند؛ زیرا رشد و نمو آنان مدیون زحمات مادران است. امام صادق ﷺ به کسی که به مادرش تندی کرده بود، فرمودند: «أَلَا عَلِمْتَ أَنْ بَطْنَهَا مَتْرُوكٌ وَ حِجْرَهَا مَهْدُوكٌ وَ ثَدْيِهَا غَذَائِكُ فَلَا تَغْلِظْ لَهَا» (مجلسی، ۱۴۱۲، ق، ج ۷۱، ص ۷۶)؛ مگر نمی‌دانی که شکم او جایگاه تو و دامن او استراحتگاه بوده است و از سینه‌های او تغذیه کرده‌ای؟! پس با او تندی نکن.

زنانی که دارای فرزند می‌شوند، تلاش دارند که این وظیفه را به بهترین شکل انجام دهند؛ وظیفه‌ای که هم آنها را رضایتمند می‌سازد و هم فرزندان را کامیاب. بنابراین می‌توان گفت: بعد از همسررداری، «مادری» مسئولیت دوم زن است. وظیفه مادری در اسلام بسیار مورد توجه و ارزش بوده و به پاس این ارزش است که احترام به مادر بیش از احترام به پدر مورد تأکید اولیای دین قرار گرفته است. نبی گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «بِرُّ الْوَالِدَةِ عَلَى الْوَالِدِ ضِعْفَانٌ» (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۳۵)؛ به مادران دو برابر پدران نیکی کنید.

با توجه به نکات پیش گفته، اهمیت نقش مادر در آموزه‌های اسلامی از جهات مختلف قابل مشاهده است. از این رو مادران از جایگاه بی‌بدیلی برخوردارند. بر این اساس می‌توان گفت که شغل اول و اصلی زن، همسررداری است؛ یعنی زن با ازدواج شاغل می‌شود و وظیفه حفاظت از کانون گرم خانواده به عهده او گذاشته شده است (نقی پورفر، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳). در برابر این وظیفه و شغل او، مرد مکلف است که زندگی او را تأمین کند و زن وظیفه‌ای در خصوص تأمین معاش به عهده ندارد. این در حالی است که مرد با ازدواج شاغل نمی‌شود؛ بلکه مسئولیت او بیشتر می‌شود.

از سوی دیگر، زنانی که دارای فرزندانند، به‌عنوان وظیفه مادری، شغل دومی پیدا می‌کنند و آن «مادری» است. پرورش کودکان در مراحل مختلف زندگی، از جنبه‌های مختلف جسمی و روحی موضوع ارزشمندی است که

استواری و تداوم کانون گرم خانواده را به دنبال خواهد داشت. بنابراین زنانی که فرزند دارند، به تناسب موقعیت خود، دو شغل دارند: یکی همسررداری و دیگری مادری.

۲-۶. شخصیت اجتماعی زنان

زنان بخشی از پیکر اجتماع اند. نقش آنان در پیشبرد جامعه، همسان نقش مردان است. همان گونه که پیش از این نیز بیان شد، زن از دیدگاه اسلام، موجود درجه دو به شمار نمی آید و اسلام همان گونه که برای مردان ارزش و جایگاه قائل است، برای زنان نیز ارزش و جایگاه شایسته ای را معتقد است.

در جامعه امروز، پیشرفت فناوری و رشد اقتصادی، جوامع زنان را با دو موضوع اساسی مواجه کرده است. از یک سو تولید وسایل و لوازم خانگی پیشرفته و رواج استفاده از آن در خانواده ها، فرصت و فراغت بیشتری را برای زنان فراهم کرده است. در جامعه ما مرسوم است که زنان امورات خانه را به عنوان یک وظیفه اخلاقی بر عهده می گیرند. با رواج لوازم خانگی برقی، زنان همانند گذشته نیازی نیست که برای رتق و فتق امورات زندگی از توان بدنی خود با صرف وقت استفاده کنند؛ بلکه با زدن یک کلید در فرصت کوتاه بسیاری از امورات زندگی را انجام می دهند. از این رو یک موضوع اساسی در پیش روی زنان، اوقات فراغت است. یکی از دلایلی که زنان تمایل دارند در جامعه حضور پیدا کنند و به کاری اشتغال داشته باشند، پرکردن وقت های خالی است (بار، ۱۳۸۳، ص ۳۰ و محتشمی، ۱۳۷۸، ص ۸۱).

موضوع اساسی دیگر این است که عرصه های کار در اجتماع، نسبت به گذشته افزایش یافته است. این بدان معناست که رشد سازمان های متعددی (اعم از اداری، صنعتی، بازرگانی، آموزشی، بهداشتی و...) در اجتماع فزونی یافته است؛ چنان که عرصه های کار، آسان نیز شده است. امروزه سازمان ها با اعمال اصل تقسیم کار توانسته اند واحدهای وظیفه ای کوچک و ساده ای را بسازند تا انجام کارها به سادگی صورت گیرد (رضاییان، ۱۳۸۹، ص ۴۵). با ارتقای سطح تحصیلات زنان در جامعه، آنان در خود این توانایی را می بینند که عهده دار مسئولیت در سازمان ها شوند؛ چنان که سازمان ها نیز به منظور در اختیار گرفتن کارکنان مطیع و ارزان، خواهان حضور زنان در عرصه کار هستند (زاهدی، ۱۳۸۶، ص ۵۲). این گونه موضوعات، زمینه رشد حضور زنان را در سازمان ها فراهم کرده است.

این موضوع، آشکار است که زنان می توانند در امور اجتماعی مشارکت داشته باشند و برای رشد جامعه هدف گذاری کنند و دست به اقدام بزنند. این سیره در همه شرایع الهی متداول بوده است. در قرآن کریم، خداوند از دختران پیامبر بزرگ، حضرت شعیب علیه السلام یاد می کند که با حضور در اجتماع به اقتصاد خانواده خود کمک می کردند (قصص: ۲۳). همچنین از منابع دینی استفاده می شود که زنان انبیا و معصومین علیهم السلام به کارهای مختلف اجتماعی، همچون تجارت، صنایع دستی و... می پرداختند؛ مانند تجارت با شرافت حضرت خدیجه که در منابع دینی معتبر به آن پرداخته شده است (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ص ۹). در آموزه های اسلامی، زنان از این حق برخوردارند که اگر

درآمد و سودی را به دست آورند، همانند مردان آن را مالک شوند؛ چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «مردان را از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای است و زنان را نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای است» (نساء: ۳۲). البته همیشه در منابع دینی مشاهده می‌شود که زنان مؤمنین از انجام کارهای پست و گناه‌آلود (مانند آوازه‌خوانی در مجالس لَهو و لعب یا روسپیگری و...) برحذر بوده‌اند و این کارها پلید و ناشایست تلقی شده‌اند. در این خصوص روایات متعددی در کتب روایی وجود دارد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۲۲).

در طول تاریخ، حضور زنان در جامعه تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته است. برخی از فرهنگ‌ها و جوامع از حضور زنان در اجتماع ممانعت کرده‌اند؛ ولی در زمانی دیگر این دیدگاه را کنار گذاشته و خواهان حضور زنان در جامعه شده‌اند. نمونه‌های تاریخی این تغییر دیدگاه را در منابع تاریخی می‌توان یافت.

اسپنسر (۱۹۸۹) می‌گوید: «در طی دهه ۱۹۵۰ خانواده‌های کانادایی به سستی بودن خویش مفتخر بودند. زنانی که کار می‌کردند، می‌دانستند که حداقل باید چنین وانمود کنند که تمایلی به کار کردن ندارند. تنها شغل شرافتمندانه برای یک زن، خانه‌داری بود»؛ اما این جامعه اکنون چنین نیست؛ بلکه کار کردن در بیرون خانه نوعی افتخار برای زنان تلقی می‌شود (اسپنسر، ۱۳۸۳، ص ۸۴). از سوی دیگر، مشاهده می‌شود که امروزه نیز در برخی جوامع، زنان از جایگاه اجتماعی و شخصیت حقوقی مناسب برخوردار نیستند. در برخی کشورها، زنان حق رأی دادن و شرکت در تعیین سرنوشت خود را ندارند؛ چنان‌که در برخی کشورها، حق رانندگی به زنان داده نشده است. بنابراین، حضور اجتماعی زنان در برهه‌های تاریخی و در مناطق مختلف، در سیر تحولات گوناگون قرار دارد.

با شکوفایی دوران صنعتی، برخی جوامع، زنان را هم‌ردیف مردان قلمداد کردند. این امر هرچند موجب شکوفایی توانایی‌های زنان در اجتماع شد، اما با سوءاستفاده‌های فراوانی همراه شد. برخی از دست‌اندرکاران اجتماع بر این اعتقاد بودند که زن موجود ظریفی است که سودآوری‌های فراوانی دارد و باید از ویژگی‌های جسمی و روحی زنان بیشتر استفاده کرد. دستاورد این دیدگاه برای زنان این شد که سازمان‌ها و کارخانه‌ها از کارگر بی‌دردسر و ارزان بهره‌مند شدند. از سوی دیگر، زنان بیشترین کاربرد را در تبلیغات کالاها و خدمات ارائه کردند؛ چنان‌که گونه‌های ناپسند بهره‌برداری از زنان، در جوامع متمدن شیوع قابل توجهی پیدا کرد.

اکنون مناسب است که در این بخش به گونه‌های مختلف حضور زن در جامعه بر اساس دیدگاه‌های دینی بپردازیم. همان‌گونه که پیش از این بیان شد، حضور زنان در اجتماع از نظر اسلام پذیرفته شده است؛ اما اختلاف اساسی دیدگاه‌ها، در خصوص نحوه حضور زنان در جامعه و درجه اهمیت این حضور است. پیش از این مطرح شد که شغل اولی زنان متأهل، همسررداری است؛ چنان‌که زنان دارای فرزند، علاوه بر شغل اول، دارای شغل دوم، یعنی مادری نیز هستند. بنابراین هنگامی که از حضور زنان در اجتماع سخن گفته می‌شود، منظور زمانی است که به دو شغل اصلی آنان لطمه‌ای وارد نشود. به عبارت دیگر، زانی باید در فکر شغل اجتماعی باشند که بتوانند شرایطی فراهم کنند که به دو شغل اصلی آنان (همسررداری و مادری) لطمه‌ای وارد نشود. در این شرایط، حضور زنان در

جامعه با لحاظ دو موضوع قابل توجه است: اولاً حضور زنان بر اساس عواطف؛ ثانیاً حضور زنان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی. اکنون به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

۱-۲-۶. حضور بر اساس عواطف

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، زن سرشار از عواطف و محبت بوده و کانون آرامش در خانواده است. ترجیحی که اسلام برای شخصیت زن نسبت به مرد در زندگی خانوادگی دارد، برخاسته از عواطف همسری و مادری است. زنان در قدرت بخشیدن و تشویق کردن همکاران و گروه‌های کاری توانمندترند؛ چنان که رفتار زنان به‌نوعی است که صداقت بیشتری را در کار حکم‌فرما می‌کند (<http://www.modiryar.com/management-topics/woman/2911-1388-08-27-06-12-28.html>). این خصوصیات، ناشی از عاطفی بودن آنان است.

از این رو فعالیت اجتماعی زنان در محیط کار نیز باید با رعایت این امتیاز و حفظ آن باشد. بر این اساس می‌توان گفت: کاری که بانوان در جامعه انجام می‌دهند، نباید به‌گونه‌ای باشد که به کانون آرامش خانواده و روابط عاطفی آنان لطمه وارد کند. زنان به‌عنوان مرکز محبت و عاطفه، نباید در تلاطم زندگی اجتماعی تغییر هویت بدهند و خانواده را از گرمابخشی محبت‌آمیز خود بی‌بهره کنند. حضور زنان در محیط‌هایی باید مورد توجه قرار گیرد که نیازمند عواطف و محبت زنان است. فعالیت‌های آموزشی و بهداشتی، نمونه‌ی واضحی از این نوع فعالیت‌هاست.

کار در اجتماع برای زن باید با رعایت جایگاه عاطفی آنان و تقویت وظایف خانوادگی صورت گیرد. بنابراین، به‌تناسب عواطف لطیف زنانه، باید آنها از مشاغل سخت و کارهای خشن یا دلخراش برحذر باشند. مشاغلی که عواطف آنان را جریحه‌دار می‌کند و آنها را به سمت خشونت یا بی‌تفاوتی عاطفی سوق می‌دهد، مناسب زنان نیست. این‌گونه مشاغل موجب لطمه زدن به بنیان عواطف زنان می‌شود و خانواده، از این شغل آسیب خواهد دید؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «زن را به کارهایی که در توانش نیست، مسپار که زن گل بهاری و ریحانه است، نه قهرمان و کار فرما و نه در هر کار دلیر و نیرومند» (نهج‌البلاغه، ن ۳۱). در مطالعات انجام‌شده درباره‌ی کار زنان در سازمان نیز توصیه شده است که واگذاری کارهای سنگین به زنان، ضمن کاهش موفقیت، سرخوردگی کارکنان زن را به‌دنبال خواهد داشت (مرادی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷ و همتی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶۲).

از سوی دیگر، در تدوین مقررات و اداره‌ی سازمان‌ها، این موضوع باید مدنظر قرار گیرد که مشاغل زنان به‌منزله‌ی نمایشگاه (چراغ) غرایز نباشد. برخی از جنبه‌ی عاطفی زنان سوءاستفاده می‌کنند و تلاش دارند با ساختارهای کار، زنان را در معرض هوس‌های جنسی دیگران قرار دهند. نمونه‌های گزارش‌شده از به‌کارگیری زنان در ارتش آمریکا، یکی از فجایع به‌کارگیری زنان در محیط‌های اجتماعی است. به‌کارگیری زنان بزرگ‌کرده برای جلب مشتری و در تبلیغات کالاها، نمونه‌هایی از این دست هستند. اصلاح ساختارهای اداری و تنظیم روابط اداری مناسب و

سامان دهی شایسته محیط فیزیکی کارکنان زن، می‌تواند آنان را از مهلکه سوءاستفاده دور نگه دارد و زمینه مناسبی برای حفظ هویت عاطفی آنان به‌وجود آورد.

از این‌رو باید تلاش‌های شایسته‌ای برای اصلاح قوانین اداری به‌منظور حفظ وظایف اصلی بانوان در خانواده و انجام وظایف اجتماعی صورت گیرد و حضور زنان در جامعه زمینه‌آرزی‌های غرایز هوس‌بازان نباشد. زنان نیز با حضور خود در اجتماع در پی تأمین این غرایز نیستند و مأمّن تأمین این غرایز را در خانواده جست‌وجو می‌کنند. گاردنر بر این عقیده است که خانواده مهم‌ترین واقعیت در زندگی ما به‌شمار می‌رود. صمیمیت حاکم بر فضای خانواده بدون توجه به امکانات رفاهی آن و خاطره محیطی، همیشه با انسان همراه است. محیط خانوادگی مرکز احساسی، معنوی و جغرافیایی عالم فردی ما و سدی در مقابل همه چیزهای خارج از این عالم است (گاردنر، ۱۳۸۷، ص ۲۲). از این‌رو اندیشمندان و سیاست‌گذاران دلسوز در جوامع غربی نیز تلاش دارند که خانواده، یعنی مرکز عاطفی انسان، در معرض تندبادهای هوس‌رانی قرار نگیرد.

حضور زنان در محیط کار نباید بر اساس غرایز صورت گیرد. رعایت این موضوع، هم بر عهده مدیران جامعه و سازمان‌هاست و هم بر عهده خود بانوان. آنان در محیط کار باید مراقب رفتارهای خود باشند و طبق دستور قرآن کریم، حتی از اقداماتی که ممکن است به‌منزله طنزآمیز نیز باشد، پرهیز کنند (احزاب: ۳۲). اسلام با آوردن قانون پوشش برای زن، درصدد تأمین امنیت وی در دو بُعد مادی و معنوی برآمده است. قانون پوشش، هم دلیل بر جواز مشارکت زن در اجتماع است و هم نشانه حمایت اسلام از دین و دنیای زن.

امروزه در دانش مدیریت مطالعاتی مشاهده می‌شود که فعالیت زنان در سازمان‌ها، همراه با این نگرانی است که عواطف زنان نباید در محیط کار لطمه ببیند و نباید از آن استفاده نادرست کرد. حضور زنان در محل کار با دو چالش بزرگ روبه‌روست: اولاً فرزندان نمی‌توانند از محبت مادر سیراب شوند و او را کمتر در کنار خود می‌بینند؛ ثانیاً شوهران از این موضوع گلایه دارند که عمده همت همسرانشان معطوف وظایف سازمانی است و آنان در اختیار شوهران قرار ندارند (کریس-آشمان، ۲۰۰۸، ص ۶۰).

۲-۲-۶. حضور بر اساس ویژگی‌های شخصیتی

فعالیت‌هایی که زنان در جامعه بر عهده می‌گیرند، با شخصیت و توانایی فردی آنان باید تناسب داشته باشد. از این‌رو واگذاری فعالیت‌های اجتماعی به زنان متناسب با خصوصیات و توانایی آنان در انجام دادن وظایف است. به‌فرموده امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «کاری که برتر از توانایی زن است، به او وامگذار؛ زیرا زن گل بهاری است، نه پهلوان سخت‌کوش» (نهج‌البلاغه، ن ۳۱، فراز ۱۱۸).

واگذاری برخی مناصب اجرایی و خطیر به مردان توانا و واجد شرایط، هرگز به‌معنای کاستن از کرامت زنان و محروم کردن آنان نیست؛ بلکه به‌دلیل رعایت تناسب طبیعی در توزیع تکلیف است. قانون‌گذاری مطلوب نیز آن

است که بر اساس تکوین و نظام آفرینش باشد. همان‌گونه که پیش از این نیز بیان شد، زنان به‌عنوان مکمل جامعه، عامل موفقیت مردان خواهند بود.

امروزه در دانش مدیریت، تحقیقات گسترده‌ای در زمینه کار بانوان متناسب با شخصیت و ویژگی‌های آنان صورت گرفته و کتاب‌های فراوانی در خصوص کار بانوان در محیط‌های اجتماعی و سازمان‌ها به نگارش درآمده است. در تحقیقات متعدد، یکی از بهترین راه‌حل‌های ارائه‌شده این است که باید نوعی از سازمان را طراحی کنند که متناسب با توانایی‌ها و ویژگی‌های زنان باشد و ویژگی‌های آنان در محیط خارج از خانواده، نه‌تنها تضعیف نشود، بلکه تقویت گردد (کریس-آشمان، ۲۰۰۸، ص ۱۱). از این سازمان‌ها می‌توان با نام «سازمان‌های جنسیتی»، یاد کرد که بستر مناسبی برای بروز توانایی‌ها و ویژگی‌های زنان است و می‌تواند از سوءاستفاده غریزی افراد نایاب جلوگیری کند. در چنین سازمان‌هایی شرایط مناسبی برای زنان از نظر ساعت کار، حجم کار، ماهیت کار، تفکیک جنسیتی در کار، و... در نظر گرفته شده است.

کشورهای غربی که منادی حضور پررنگ بانوان در همه عرصه‌های کار هستند، در تحقیقات میدانی خود به این نتیجه رسیده‌اند که در مسیر ترقی جایگاه زنان در سازمان‌ها، مانعی به نام «سقف شیشه‌ای» وجود دارد. سقف شیشه‌ای، یعنی آن مانع نامرئی که مبتنی بر آن نگرش، پیشرفت زنان در سلسله‌مراتب سازمانی ممکن نیست. این امر چیزی نیست، جز آنکه زنان با وجود مسئولیت‌های دیگر در خانواده و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی خود، زمینه رشد در سازمان‌های مردانه را ندارند. بنابراین مشاهده می‌شود، آنانی که خواستار حضور پررنگ زنان در سازمان‌ها هستند، پی برده‌اند که این حضور جز سرخوردگی برای زنان چیزی به‌دنبال نداشته و عزت زنان را در معرض تهدید قرار داده است. اهمیت دادن زنان به وظایف اولیه می‌تواند مانع این سرخوردگی شود. آنان بر این باورند که ساعت کار سازمان‌های زنانه باید متناسب با وظایف آنان در خانه باشد؛ یعنی به‌گونه‌ای باشد که آنها بتوانند هم به وظایف خود در خانه به‌عنوان مادر رسیدگی کنند و هم توانایی و مهارت خود را در اجتماع نشان دهند. (کاپور، ۲۰۱۹، ص ۱۰۹) به‌طور کلی ایجاد تعادل کار و زندگی، یعنی برقراری تناسب و توجه به خانواده و سازمان برحسب شرایط و نیاز، رضایت زندگی خانوادگی، هدف شکل‌گیری چنین سازمان‌هایی است. (جاسو، احمد، عمر، ۲۰۱۲، ص ۱۰۹)

از ویژگی‌هایی که برای زنان، به‌ویژه متأهلین باید در موقعیت اجتماعی در نظر داشت، این است که آنان وظیفه‌ای برای تأمین معاش خانواده ندارند. بر اساس دستورات اسلامی، مردان‌اند که موظف به تأمین مایحتاج همسران خود هستند. بنابراین، زنان مناسب است از پذیرفتن مسئولیت تأمین معاش با وجود همسر شاغل، دوری کنند. تکامل شخصیتی، تنها با حضور در اجتماع نیست. چه بسیار مردان بزرگی که بدون داشتن مناصب اجتماعی توانسته‌اند به جامعه خدمت کنند و رشد شخصیتی داشته باشند؛ همانند برخی از مخترعان و دانشمندان که توانسته‌اند در اوج گمنامی، خدمات ارزنده‌ای برای جامعه داشته باشند. باید در جامعه و نظام اداری، شرایط به‌گونه‌ای فراهم شود که مشاغل مخصوص زنان مانند پزشکی و آموزگاری، در اختیار خود آنان قرار گیرد؛ چنان‌که مناسب

است مشاغل مرتبط با زنان را نیز خود آنان به عهده بگیرند؛ مشاغلی همانند رانندهٔ سرویس، مربی ورزشی و... تا بدین ترتیب بتوان شاهد حضور زنان بر اساس ویژگی‌های آنان بود.

نتیجه‌گیری

با ورود به عصر صنعتی و آغاز تولید انبوه در کارخانه‌ها، نیاز به نیروی کار بیشتر پدید آمد. تحولات اجتماعی کشورهای صنعتی، زمینه را برای حضور زنان در کارخانه‌ها و سازمان‌ها فراهم کرد. زنان و مردان دوشادوش هم به کار مشغول بودند و جامعه مراحل پیشرفت مادی خود را طی می‌کرد؛ اما به‌مرور زمان جوامع صنعتی با چالش جدیدی مواجه شدند و آن فقدان وظایف زنان در قالب همسر و مادر در اجتماع بود. اینجا بود که خانواده، عنصر اساسی جامعه، در معرض تهدید جدی قرار گرفت. این موضوعی است که جهان صنعتی را با چالش جدی روبه‌رو کرد. کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران، نیز در معرض چنین تهدیدهایی قرار گرفته‌اند. استقبال گستردهٔ بانوان از یافتن کار در بیرون منزل و احساس حقارت از پذیرفتن نقش خانه‌داری، خانواده را در جامعهٔ اسلامی در آستانهٔ شکل‌گیری مسئلهٔ جدید قرار داده است. با بازخوانی دستورات دینی، می‌توان راه‌حل‌های مفیدی برای این مسئله یافت. راه‌طی‌شده در غرب در موضوع اشتغال زنان، می‌تواند مسیر مناسبی را در پیش روی ما قرار دهد.

شناخت خصوصیات زنان در آموزه‌های اسلامی بر مبنای نظام آفرینش می‌تواند مشابهت‌ها و تفاوت‌های زنان و مردان را نشان دهد و بر اساس آن، تکالیف و وظایف هر یک را مشخص کرد. در این مطالعه نشان داده شد که زنان و مردان از نظر جسمانی و روحانی با یکدیگر متفاوت‌اند و در عین حال می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. این بدان معناست که نباید انتظار داشت زنان وظایف مردان را بر عهده بگیرند یا از مردان انتظار داشت تکالیف زنانه را عهده‌دار شوند. در این مطالعه بیان شد که برجسته‌ترین امتیاز خلقت زنان، توانمندی عاطفی است که می‌تواند استحکام خانواده را در پی داشته باشد و موجب تداوم نسل شود. موقعیت زن در خانه در دو حوزهٔ همسررداری و مادری، سازگار با آفرینش زنان است. از این‌رو می‌توان استنباط کرد که شغل اولی زنان همسررداری است و شغل دوم آنان مادری. همچنین بیان شد که اشتغال در بیرون خانه برای زنان هنگامی قابل توجیه است که دو وظیفهٔ اول به‌درستی انجام گیرد. امروزه اشتغال زنان در سازمان‌ها یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان مدیریت و سازمان شده است. تجربهٔ ناموفق به‌کارگیری زنان در سازمان‌های غربی، می‌تواند هشدار برای جامعهٔ اسلامی باشد تا خود را از گزند آسیب‌های آن در امان دارد. بر این اساس، بیان شد که زنان با دو شرط اساسی می‌توانند در کنار وظایف همسررداری و مادری به کار در جامعه و سازمان بپردازند: ابتدا حضور بر اساس عواطف، مورد توجه قرار گرفت؛ یعنی زنان باید بدانند که اشتغال نباید به عواطف آنان لطمه وارد کند؛ دیگر آنکه اشتغال زنان در بیرون منزل باید متناسب با ویژگی‌های شخصیتی آنان باشد و حیثیت خانوادگی آنان آسیب نبیند. اصلاح زمان‌بندی حضور زنان در سازمان و اجتماع، و شکل‌دهی سازمان‌های متناسب زنان، از توصیه‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۸۴، ترجمه محمد دشتی، قم، امیرالمؤمنین علیه السلام.

تورات، بی تا، ترجمه ساروخاچیکی، بی جا، پویا.

آزادارمکی، تقی، ۱۳۹۳، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران، سمت.

اسپنسر، متا، ۱۳۸۳، *جایگاه خانواده*، ترجمه مهدی محمدی و حسن یوسفزاده، معرفت، ش ۸۰، ص ۸۲.

بار، ویون، ۱۳۸۳، *جنسیت و روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه حبیب احمدی و بیتا شایق، شیراز، نوید شیراز.

توکلی، نسرین، ۱۳۹۷، «زن در ادیان ابراهیمی، (اسلام، یهودیت، مسیحیت)»، *حضور*، ش ۹۸، ص ۱۹۶-۱۳۰.

جوادی‌آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *زن در آئینه جلال و جمال*، قم، اسراء.

جی‌گود، ویلیام، ۱۳۵۳، *خانواده و جامعه*، ترجمه ویدانا صحی، تهران، ترجمه و نشر کتاب.

حعاملی، محمدین حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، بیروت، آل‌البیت لاحیاء التراث.

دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.

رضایان، علی، ۱۳۸۹، *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران، سمت.

زاهدی، شمس‌السادات، ۱۳۸۶، *زن و توسعه*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

صدوق، محمدین علی، ۱۴۱۷ق، *امالی*، قم، اسلامیه.

طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

فارس، احمدین فارس، ۱۳۹۰ق، *معجم مقاییس اللغة*، مصر، دارالجلل.

فیض‌کاشانی، محمدین‌شاه مرتضی، ۱۳۷۲، *المحجۃ البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

قرائتی، محسن، ۱۳۷۹، *تفسیر نور*، قم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قمی، شیخ عباس، ۱۳۸۵، *فرهنگ واژگان قرآن کریم*، ترجمه غلامحسین انصاری، تهران، امیرکبیر.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۲، *اصول کافی*، قم، اسوه.

_____، ۱۳۵۰، *الکافی*، قم، دارالکتب الاسلامیه.

کاشانی، فیض، ۱۳۸۳ق، *المحجۃ البیضاء*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

گاردنر، ویلیام، ۱۳۸۷، *جنگ علیه خانواده*، ترجمه معصومه محمدی، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

گروهی از محققین، ۱۳۷۴، *جایگاه زن در اندیشه امام خمینی* علیه السلام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

گری، جان، ۱۳۸۰، *راهنمای روابط زناشویی (مردان مریخی و زنان ونوسی)*، ترجمه حسن رفیعی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی.

گود، ویلیام، ۱۳۵۳، *خانواده و جامعه*، ترجمه ویدانا صحی (بهنام)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۱۲ق، *بحارالانوار*، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.

مختشمی، بتول، ۱۳۷۸، «اشتغال زنان باید و نبایدها»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴، ص ۷۸-۹۱.

مرادی، مرتضی، ۱۳۹۴، «سبک مدیریت در سازمان‌ها و حضور زنان در پست‌های مدیریتی با تأکید بر رابطه هویت زنانه و

تاکتیک‌های ارتباطی»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، دوره سیزدهم*، ش ۲، ص ۱۴۱-۱۷۰.

مسعود، آذربایجانی، ۱۳۸۸، اسلام و اشتغال زنان، *فصلنامه طهورا*، سال دوم، ش ۴، ص ۴۳-۵۶.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.

_____، ۱۳۷۴، *نظام حقوق زن در اسلام*، قم، صدرا.

معین، محمد، ۱۳۸۷، *فرهنگ فارسی*، تهران، دبیر.
مکارم‌شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
نقی‌پورفر، ولی‌الله، ۱۳۸۲، *مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی.
نوری، محمد، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۵، موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم.
همتی، عصمت و همکاران، ۱۳۹۶، «ارائه مدل عوامل فردی و سازمانی پیش‌برنده و بازدارنده موفقیت شغلی در کارکنان زن»
پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، سال نهم، ش ۴، ص ۶۱-۷۱.

Kapur ,Radhika , 2019, *Role of Women in the Management of Household Responsibilities*.
Available February page106_109.

Kirst-Ashman, Karen K. 2008. *Human Behavior, Communities, Organizations & Groups in the Macro Social Environment*. Belmont,USA : Thomson Higher Education, 2008.

Mat Jusoh, M. & Ahmad, A. & Omar, Z. 2012, *Mediating Role of Work-Family Psychological Contract in the Relationships between Personality Factors and Job Satisfaction. The Journal of Human Resource and Adult Learning*, V 60 ol. 8, Num. 2, December,p 60-64.

<http://www.modiryar.com/management-topics/woman/2911-1388-08-27-06-12-28.html>

https://www.researchgate.net/publication/330984577_The_Role_of_Women_in_the_Management_of_Household_Responsibilities